نگاه روز

یک پیشنهاد خیلی خیلی جدی و فوری
بیایید از مرگ کتاب جلوگیری کنیم

احمد طالبی‌نژاد

● حالا که بازار راه‌اندازی کمپین‌های اجتماعی داغ است، می‌خواهم اجرای یک کمپین فرهنگی را پیشنهاد بدهم. بنده البته نه امکانات مدرن و وقت و ملزومات راه‌اندازی چنین کمپینی را دارم و نه از شما چه پنهان، کار با این ابزار را بلدم. اما اجازه دهید پیش از طرح پیشنهادم به طرح پیش‌نیاز چنین اتفاقی بپردازم. از همین امروز به دورواطرافتان به‌ویژه در مترو و دیگر اماکن عمومی نگاه کنید. اغلب مردم به‌ویژه جوان‌ها به وررفتن با تلفن همراه یا تبلتشان، مشغول‌اند. یا پیام می‌دهند یا پیام می‌گیرند یا مشغول بازی هستند. اینکه چه می‌بینند یا می‌خوانند، مهم نیست. مهم این است که بیشتر وقتشان در فضای مجازی سپری می‌شود. این همان وقتی است که معمولا در ممالک راقیه، صرف خواندن کتاب و نشریات می‌شود. اما آمار شمارگان کتاب و نشریات به‌دردبخور در ایران اسفناک است. بهترین و مهم‌ترین نشریات این مملکت، شمارگانشان به زیر ۱۰ هزار نسخه و در مواردی زیر دوهزار نسخه رسیده است. به همین دلیل نصف صفحات خود را به آگهی‌های تبلیغاتی اختصاص داده‌اند و چاره‌ای جز این هم نیست. به شمارگانی که در پشت جلد کتاب‌های به‌دردبخور نوشته شده نگاهی بیندازید. آه از نهادتان برمی‌خیزد. اینکه در یک مملکت ۸۰ میلیونی شمارگان کتاب‌های خوب به ۵۰۰ نسخه و گاه کمتر از آن رسیده، واقعا نگران‌کننده که هیچ، شرم‌آور است. تازه این تعداد که در گذشته‌ها جزء پرتی‌های یک کتاب به حساب می‌آمد هم، بیش از یک سال در ویترین و پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها می‌ماند. به‌عنوان کسی که کارش سینماست اما در هر شرایطی خواندن کتاب و نشریات ارزشمند را حتی به دیدن فیلم ترجیح می‌دهد، می‌خواهم به جوانان دلسوز فرهنگ پیشنهاد کنم به هر طریق ممکن، کمپینی در حمایت از کتاب و کتاب‌خوانی راه بیندازند. نکاتی که ذکر می‌کنم می‌تواند به‌عنوان پیش‌درآمد این کمپین در متن‌هایی که برای هم ارسال می‌کنند مطرح شود. در ایام نوروز یا مناسبت‌های عمومی یا خصوصی، به‌جای هدایایی مثل جعبه شکلات - که معمولا چند دست می‌چرخند تا بالاخره کسی دل به دریا بزند و درشان را باز کند و هدایای دیگری مثل اشیای تزیینی و عمدتا چینی- کتاب به هم هدیه بدهیم. مهم نیست که طرف اهل مطالعه هست یا نه، مهم این است که با هدیه‌دادن کتاب، می‌شود عادت‌های فرهنگی را تغییر داد. اطمینان دارم که اگر این نهضت راه‌اندازی شود، بسیاری از مشتریان جم‌تی‌وی و حتی سریال‌های درپیتی داخلی، وقتشان را با کتاب‌خوانی سپری خواهند کرد. چون حس خوبی که از لابه‌لای اوراق کتاب‌ها بیرون می‌زند، با هیچ حس دیگری قابل‌مقایسه نیست. باید با مردم در میان گذاشت که هیچ عنصری همچون اوراق کاغذی کتاب نمی‌تواند به مخاطب احساس امنیت و آرامش بدهد. حتی به‌جای خواندن کتاب یا متون مورد نیاز در فضای مجازی هم بهتر است به اصل رجوع کرد؛ که گفته‌اند «آب را از سرچشمه بنوش»، سرچشمه دانایی و لذت درونی، در کتاب‌ها و نشریات ارزشمند نهفته است. ما می‌توانیم این نهضت را از دوروبر خودمان، حتی از بچه‌های کوچک شروع کنیم. به‌جای خریدن اسباب‌بازی‌های قلابی چینی که زرتی خراب می‌شوند و بچه‌ها را هم کلافه می‌کند، برایشان کتاب‌های مناسب هدیه ببریم. به‌جای هدایای مادی برای کسانی که دوستشان داریم، کتاب یا اشتراک نشریات خوب را هدیه بدهیم. خواهش می‌کنم این پیشنهاد را جدی بگیرید و به این کمپین فرهنگی بپیوندید. باشد که به‌این‌ترتیب از مرگ فرهنگ در سرزمینی که پیشینه فرهنگی‌اش همواره مورد ستایش جهانیان بوده، جلوگیری و با رونق‌بخشیدن به اقتصاد چاپ و نشر، نویسندگان و مترجمان ارزشمند ما که چرخ زندگی‌شان با فروش کتاب‌ها و نشریاتی که برایشان می‌نویسند می‌چرخد را یاری دهیم و از بی‌کاری و خانه‌نشینی این فرهیختگان هم جلوگیری کنیم.

چرا مخاطبان جذب برنامه‌های رسانه ملی نمی‌شوند؟
چشمه خشکیده «خلاقیت» در سیما

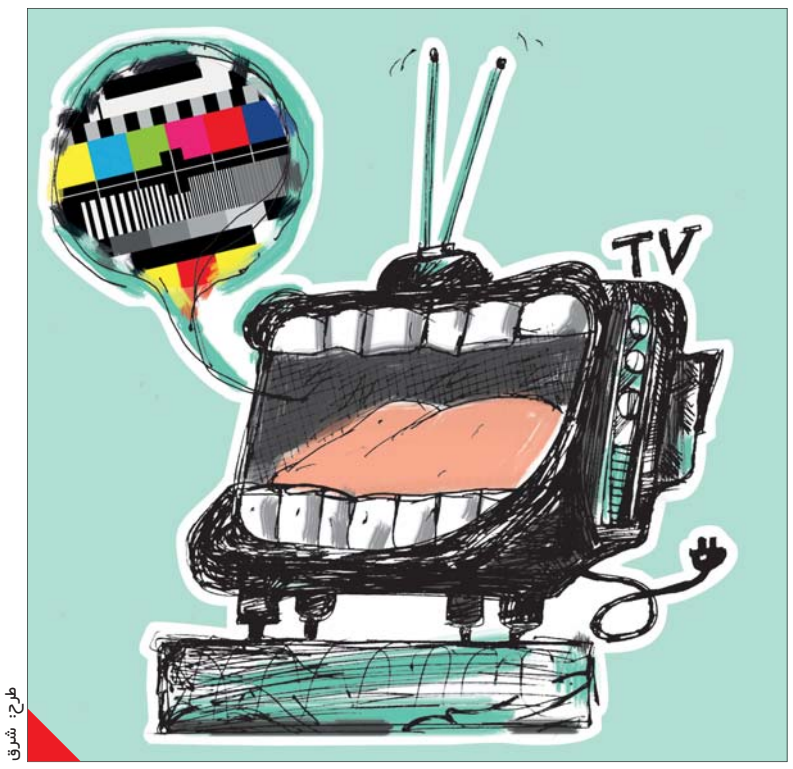

طرح: شرق

بهناز شیربانی: مهران مدیری چندسالی از تلویزیون دور بود و به‌یقین جای خالی هنرمندی که با تکیه بر خلاقیت‌های فردی‌اش توانست تا در هر اثرش مخاطبان بی‌شماری را با خود همراه کند، احساس می‌شد. این روزها اما به فاصله چندساعت در شبکه‌ای بازپخش چندباره «جایزه بزرگ» و در شبکه‌ای دیگر «دورهمی» از مهران مدیری و تفاوت در کیفیت آثار گذشته و حال این هنرمند، بی‌اختیار مخاطب را به سال‌های دور ارجاع می‌دهد. سال‌هایی که بسیاری از برنامه‌های پرمخاطب تلویزیون با خلاقیت فردی برنامه‌سازانش به‌اصطلاح گل می‌کرد، متأسفانه شمار این افراد در تلویزیون کشورمان روزبه‌روز کم‌رنگ شد و در کمال ناباوری در آثار همان تعداد اندک باقی‌مانده هم رنگ‌وبویی از کیفیت نمی‌بینیم. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر رسانه ملی با تکیه بر توانایی افرادی که امتحانشان را پس دادند و مخاطبانشان را راضی نگه داشتند قدرت عمل بیشتری پیدا کرد. کمااینکه هنوز هم می‌بینیم توانایی عادل فردوسی‌پور در به‌روز نگه‌داشتن برنامه‌اش، باعث می‌شود تا در همه این سال‌ها برنامه «۹۰» گزینه نخست مخاطبان ورزش‌دوست تلویزیون باشد یا تجربه‌هایی از جنس«صد برگ» و «مردم ایران سلام» توانست توجه بسیاری را به تلویزیون جلب کند و دیگر نمونه‌هایی که در همه این سال‌ها به فراخور زمان، جایی در آنتن تلویزیون داشتند و هنوز هم جای خالی برنامه‌هایشان حس می‌شود.

رسانه ملی به گواه بسیاری از کارشناسان و برنامه‌سازانش هرروز بیش‌ازپیش در معرض تهدید است. رقابت با شبکه‌های ماهواره‌ای مهم‌ترین اتفاقی است که تلویزیون را بیش از هر چیز در معرض آسیب قرار می‌دهد. افت کیفی برنامه‌های تلویزیون به گفته مدیرانش حاصل عدم توجه به شرایط اقتصادی این سازمان عریض‌وطویل است که تأثیری مستقیم بر عملکرد برنامه‌سازانش دارد، هرچند این گفته از سمت بسیاری از کارشناسان رسانه پذیرفتنی نیست چراکه طبعا می‌توان با بودجه سریالی فاخر یا الف‌ویژه‌ای که مخاطبان بسیار اندکی دارد چندین سریال موفق با فیلم‌نامه‌های قابل‌توجه ساخت یا دست‌کم برنامه‌های ترکیبی را راهی آنتن تلویزیون کرد که بویی از تقلیدی خام‌دستانه در آن دیده نشود.

رویکرد برخی از برنامه‌سازان رسانه ملی در اجرای برنامه‌های موفق خارجی به بهانه پرمخاطب‌بودن برنامه‌های موردنظر در دنیا شاید اصلی‌ترین دستاویز تلویزیون برای جذاب‌کردن برنامه‌هایش است.

ممیزی و ارتباط مستقیم با عدم خلاقیت

دکتر مجید حسینی‌زاد، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با «شرق» در پاسخ به این پرسش که به چه دلیل نشانی از خلاقیت در بسیاری از برنامه‌های سیما دیده نمی‌شود، می‌گوید: خلاقیت اصل اساسی کار یک هنرمند است. هنرمند در هر زمینه‌ای نیاز به بروز خلاقیت دارد. چیزی که خلاقیت را از بین می‌برد نوع مدیریت است. مدیریت بسته خلاقیت را بیش از هر چیز تهدید می‌کند و برنامه‌سازی که کارمند یک اداره است مجبور به اطاعت از قوانین و مدیرانش است. برخلاف سینما که هنر گرانی است و هنرمند با تکیه بر سرمایه‌ای اثرش را تولید می‌کند، تلویزیون به این صورت نیست.

او ادامه می‌دهد: تلویزیون به محض ورودش به سرزمین ما رسانه بسیار جدیدی بود و مدیران به‌گونه‌ای بودند که هنرمندان را تشویق به همکاری می‌کردند. هنرمندانی مثل فریدون رهنما، فرخ غفاری یا ناصر تقوایی و هنرمندانی از این دست آثار ماندگار در تلویزیون تولید کرده‌اند و به تعهد هنری‌شان وابسته بودند. ساخت سریال‌های ماندگاری مثل بوعلی سینا یا سریال‌هایی از این دست با وجود کیفیتی که به هر شکل در تکنیک‌های ساخت در آن زمان وجود داشت، ممکن است کهنه به نظر برسند اما هنوز هم سریال‌های ماندگار و جذابی هستند. همین‌طور برنامه‌های مستند یا گفت‌وگومحور. برنامه‌هایی مثل جادوی سینما یا هنر هفتم از آن دست برنامه‌هایی بودند که بسیاری در خاطرشان مانده است و برنامه‌های پرمخاطبی بودند. اما تلویزیون کم‌کم به سمتی حرکت کرد که ممیزی‌ها بیشتر شد و طبعا ممیزی اتفاقی است که جلو خلاقیت را می‌گیرد.به باور حسینی‌زاد، دلیل خشکیدن چشمه «خلاقیت» در صداوسیما این است: «بیشترین موردی که جلو خلاقیت در رسانه ملی را می‌گیرد ممیزی است. این اتفاق به‌شدت مانع کار تهیه‌کننده می‌شود و حالا در کنارش مشکلات مربوط به بودجه و موارد دیگر را نیز می‌توان اضافه کرد. نزدیک‌شدن به ممیزی و حرف‌زدن درباره این مورد باعث می‌شود که به حوزه مدیریت هم وارد شود. طبعا کار یک مدیر مثل یک رهبر ارکستر است که باید حواسش به همه نوازنده‌ها باشد و همه سازها را خوب بشناسد. برای یک مدیر تلویزیون شناخت مخاطب و قدرت رسانه مهم‌ترین رکن است. از طرف دیگر تهیه‌کنندگانی که به‌شدت به کارشان تعهد دارند کمتر در تلویزیون کار می‌کنند و چون می‌دانند که در این رسانه با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند بود، این مسیر دشوار را انتخاب نمی‌کنند و نتیجه این می‌شود که برخی از تهیه‌کنندگان تلویزیون دقیقا نظرات مدیران را پیاده می‌کنند و از خلاقیت‌های فردی خبری نیست».

او ادامه می‌دهد: به‌طورمثال سال‌ها پیش، از مهران مدیری زمانی آیتم‌های بسیار خوبی می‌دیدیم و طبعا با مدیرانی کار می‌کرد که به کارش اشراف داشتند. اما شاید درحال‌حاضر مهران مدیری سعی می‌کند در نوک شمشیر حرکت کند و درعین‌حال که حرف خودش را می‌زند، ممیزی را هم رد کند و این هنرمند تا جایی قدرت پیشرفت دارد.

حسینی‌زاد در پایان با اشاره به تأثیر مستقیم تهیه‌کننده در برنامه‌سازی می‌گوید: عدم بروز خلاقیت از سمت تهیه‌کنندگان باعث شده تا کیفیت برنامه‌ها روزبه‌روز کمتر شود. متأسفانه از سریال‌های درخشان در تلویزیون خبری نیست و شرایط به‌گونه‌ای است که حسرت برخی از آثار درخشان گذشته را می‌خوریم و به نظر باید سعی کرد تا مدیران به تهیه‌کنندگان و برنامه‌سازان قدرت عمل بدهند تا خلاقیت جایی برای بروز و ظهور داشته باشد تا به مرور کیفیت آثار هم بیشتر شود.

خلاقیت در همه‌جا مهم است

منصور ضابطیان نیز معتقد است که نه‌تنها در تلویزیون ما بلکه در رسانه‌های جهان عنصر خلاقیت در برنامه‌سازی اتفاق مهمی است. طبعا وقتی برنامه‌ای برای مخاطبانش جذاب می‌شود، نگاه خلاقانه برنامه‌سازانش بیشترین تأثیر را داشته است. در کنار این مورد، حضور مدیران آگاه که دغدغه ارائه اثری خوب را داشته باشند اهمیت دارد؛ مدیرانی که خودشان هم دغدغه تولید اثری خلاقانه را داشته باشند و این نکته‌ای است که باید به آن توجه کرد.

خلاقیت، طبق تعریف سازمان ملل

بیژن بیرنگ در گفت‌وگو با «شرق» از زاویه دیگری به نبود عنصر خلاقیت نگاه می‌کند. او با اشاره به اینکه بروز خلاقیت در شرایط حال‌حاضر شاید کمی سخت به نظر برسد، می‌گوید: در فضایی که رسانه‌ها بیشتر شده است و تلفن همراه از دست کسی نمی‌افتد، کار خلاقانه حتی در رسانه‌ای مثل مطبوعات هم سخت است؛ اینکه در نهایت مخاطب شما را انتخاب کند. اما به عقیده من خلاقیت به خود فرد برمی‌گردد هرچند که شرایط در ظهور این خلاقیت نقش مهمی ایفا می‌کند. او ادامه داد: یکی از شرایط بروز خلاقیت، سلامت است. طبق تعریف سازمان ملل سلامت حالتی است که انسان به‌لحاظ روحی، روانی، اجتماعی و مالی در رفاه باشد و در این شرایط خلاقیت نقش خودش را بهتر ایفا می‌کند و هرچقدر که بیشتر درگیر پیچیدگی‌ها باشیم طبعا نمی‌توان انتظار نتیجه مطلوب داشت. نگاه من این است که خداوند، سرچشمه هستی، آرزومند است که مخلوقش، از طریق خلق بیشتر به آفریدگارش نزدیک شود و تنها چیزی که اجازه نمی‌دهد قدرت سرچشمه هستی از وجود انسان رد شود، شرایطی است که انسان دچار پیچیدگی‌ها و مشکلات است. به نظر می‌رسد در زمان‌هایی که شرایط مطلوبی برای خلاقیت هنرمند فراهم بوده، او راحت‌تر با سرچشمه هستی ارتباط گرفته و آثار درخشانی خلق کرده است.

●●●

به نظر می‌رسد اعتماد مدیران به تهیه‌کننده و برنامه‌سازان و کم‌کردن ممیزی‌ها تأثیر خوبی در روند تولید محتوا و کیفیت مطلوب در برنامه‌سازی تلویزیون خواهد داشت و باید دید رویکرد مدیران چه سمت‌وسویی خواهد داشت.

ابراز نگرانی خانواده کیارستمی از بازگشت تب

شرق: خانواده عباس کیارستمی از تب و عفونتی که به بدن این فیلم‌ساز بازگشته است، ابراز نگرانی کردند. در کانال تلگرامی «روند درمان عباس کیارستمی» صبح دیروز، ۳۰ فروردین چنین نوشته شده است: «درحالی‌که به نظر می‌رسید پروسه درمانی عباس کیارستمی به‌خوبی طی می‌شود، خانواده او با ابراز نگرانی از بازگشت تب و عفونت مجدد در بدن این فیلم‌ساز اعلام کردند که ایشان شنبه‌شب باز دچار تب شد که خوشبختانه تیم پزشکی با تجویز آنتی‌بیوتیک‌های تازه موفق به کنترل عفونت شدند، اما با توجه به طولانی‌شدن دوران درمان، تعدد عفونت‌ها و مقاوم‌شدن بدن در مقابل آنتی‌بیوتیک به طور طبیعی، ما هنوز بسیار نگرانیم».در ادامه این مطلب چنین عنوان شده است: «در هر پروسیجری که نفوذ از راه پوست صورت می‌گیرد، خطر عفونت وجود دارد و ایشان به دلیل آسیب‌دیدگی «حالب» از «نفروستومی» استفاده می‌کنند. طبعا تا ترمیم حالب و خارج‌شدن نفروستومی، از نگرانی ما کاسته نخواهد شد». این کارگردان سرشناس سینمای ایران در پی مشکلات گوارشی و انجام چهار عمل جراحی این‌روزها در بیمارستان به‌سر می‌برد.

بزرگداشت روز معمار در خانه هنرمندان

شرق: مراسم بزرگداشت روز معمار، یادمان و جایزه معماری میرمیران، در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.مراسم بزرگداشت روز معمار، یادمان و جایزه معماری میرمیران چهارشنبه اول اردیبهشت ساعت ۱۷:۳۰ در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. نمایشگاه آثار دهمین دوره مسابقه معماری میرمیران نیز یکم تا پنجم اردیبهشت در نگارخانه میرمیران و پاییز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.بنا بر تمایل قلبی و سفارش زنده‌یاد سیدهادی میرمیران به منظور اشاعه و ترویج ذهنیت‌ها و افکار او در جهت تداوم و تکامل معماری نوین ایران و شناساندن رسالت دیرینه آن در ایران و جهان، ایجاد نهادی به نام «بنیاد معماری میرمیران» پایه‌ریزی شد. یکی از برنامه‌های اساسی بنیاد معماری میرمیران که به تأیید و تصویب هیأت امنای آن بنیاد رسیده، اهدای جوایز سالانه‌ای با عنوان «جایزه بنیاد معماری میرمیران» است.نمایشگاه آثار دهمین دوره مسابقه معماری میرمیران تا پنجم اردیبهشت دایر است و علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۱۴ تا ۲۱ به نگارخانه میرمیران و پاییز خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.

«چهارصد سال با شکسپیر» در روز جهانی کتاب

شرق: ویلیام شکسپیر از برجسته‌ترین نمایش‌نامه‌نویسان و شاعران انگلیسی‌زبان و جهان است که آثار او مانند هملت، اتللو، شاه‌لیر، مکبث، رومئو و ژولیت، ریچارد سوم و... به زبان‌های فراوان ترجمه شده و بیشتر مردم جهان با آن آشنا هستند. شکسپیر غزل‌های پرشماری نیز سرود. شکسپیر در ۱۵۶۴ میلادی به دنیا آمد و در ۱۶۱۶ درگذشت. امسال مصادف است با چهارصدمین سال درگذشت شکسپیر و بدین مناسبت برنامه‌های مختلفی در سراسر جهان اجرا می‌شود. مراسم بزرگداشت شکسپیر و روز جهانی کتاب در روز شنبه، چهارم اردیبهشت، ساعت ۱۵ برابر با ۲۳ آوریل و هم‌زمان با چهارصدمین سالگرد درگذشت شکسپیر در مرکز فرهنگی «شهر کتاب» واقع در خیابان شهید بهشتی، با عنوان «چهارصد سال با شکسپیر» برگزار می‌شود. در این نشست دکتر شیده احمدزاده درباره «شکسپیر و شعر»، دکتر امیرعلی نجومیان درباره «شکسپیر و سینما»، دکتر کامران سپهران درباره «صحنه ماندگار شکسپیر» و رضا سرور مترجم کتاب‌های «شکسپیر معاصر ما» نوشته یان کات و «گفت‌وگوهایی درباره شکسپیر» نوشته یان کات و چارلز مارووِیتز درباره جایگاه این دو کتاب در حوزه شکسپیرشناسی سخن می‌گویند.

گزارش دیدار سعدی و کنفوسیوس در تهران

شرق: اولین روز همایش سعدی و کنفوسیوس یکشنبه، ۲۹ فروردین در مرکز فرهنگی شهرکتاب برگزار شد. علی‌اصغر محمدخانی، معاون فرهنگی شهرکتاب در ابتدای این مراسم گفت: «مرکز فرهنگی شهرکتاب به اتفاق مرکز سعدی‌شناسی برنامه ۱۰ساله‌ای را برای بزرگداشت روز سعدی در ایران و دیگر کشورها تنظیم کرده است که این نشست‌ها از سال ۱۳۹۰ آغاز شد. در سال ۱۳۹۱ همایش سعدی و پوشکین در تهران و مسکو برگزار شد. سال بعدی اشتراکات فرهنگی و نظرگاه‌های مشترک سعدی و یونس امره در تهران و آنکارا بررسی شد. در سال ۹۳ همایش سعدی و سروانتس در تهران و مادرید برگزار شد. سال ۹۴ نیز وجوه اشتراک سعدی و متنبی و اشکال تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن دو بر یکدیگر بررسی و تبیین شد».

ضیا موحد، سخنان خود را با عنوان «کنفوسیوس و سعدی: دو پنجره اخلاقی- رفتاری به جهان» آغاز کرد: «به گزارش دکتر فانک یولان، نویسنده تاریخ فلسفه چین، مردم این کشور قاره‌مانند، قرن‌ها سرزمین خود را خود دنیا می‌پنداشتند؛ گویی بیرون‌رفتن از چین به‌مثابه بیرون‌رفتن از دنیا بود. کنفوسیوس نیز معتقد بود کوه که از جای خود تکان نمی‌خورد، نمونه انسان خوب است و خوبان آرام بر جای می‌مانند و اهل تحمل‌اند؛ اما سعدی که در اقصای عالم گردش می‌کرد، نظری دیگر دارد: درخت اگر متحرک شدی ز جای به جای/ نه جور اره کشیدی و نه جفای تبر». سعدی و کنفوسیوس به دو فرهنگ و تمدن متفاوت تعلق دارند، با فاصله زمانی و مکانی دور از یکدیگر، اما شباهت‌هایی هم دارند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنم تا نشان دهم خاستگاه‌های یکسانی ندارند. در چنین مسائلی ظاهربینی فریبنده است».

این شاعر، اخلاق و آداب و موسیقی را ازجمله مباحثی دانست که دیدگاه سعدی و کنفوسیوس درباره آنها یکسان است: «درباره اخلاق و آداب آنچه از کنفوسیوس در دست داریم، مجموعه برگزیده‌ای است از کلمات قصار که منسوب به اوست؛ آنها بی هیچ نظم و ترتیب معینی دنبال هم آمده‌اند. نظیر این منتخبات باب هشتم گلستان سعدی است که اغلب کلمات قصار است که مانند آنها را در هفت باب دیگر گلستان و باب‌های بوستان هم می‌توان یافت».

او در ادامه مشابهت‌های نگاه سعدی و کنفوسیوس درباره تظاهر به عمل اخلاقی به قصد عمل غیراخلاقی را تشریح کرد و افزود: «سعدی و کنفوسیوس در فلسفه سیاسی جلب اعتماد مردم را اصل برتر می‌دانند. کنفوسیوس دراین‌باره می‌گوید: «حکومت صالح باید دارای سه هدف اصلی باشد: تدارکات شایسته، ارتش نیرومند، جلب اعتماد مردم. اگر لازم افتد یکی از این سه فدا شود، آسان‌تر از همه ارتش را می‌توان فدا کرد، سپس تدارک خواروبار (مرگ همواره روزی آدمی بوده است) و اعتماد خلق را هرگز. اگر خلق بی‌اعتماد شود، حکومت بر آن محال می‌گردد». سعدی دراین‌باره می‌گوید: «ای ملک چون گردآمدن خلق موجب پادشاهی است، تو مر خلق را پریشان چه می‌کنی؛ با رعیت صلح کن وز جنگ خصم ایمن نشین؛ زان که شاهنشاه عادل را رعیت لشکر است».

موحد ادامه داد: «کنفوسیوس و سعدی هر دو اهل نصیحت و تحکیم اخلاق و اوامر و نواهی رفتاری و سیاسی هستند؛ اما نکته اینجاست که آبشخور این مباحث در سعدی، دینی و مبتنی بر قرآن و سنت است و در کنفوسیوس عقلانی و فلسفی است. در منتخبات کنفوسیوس سخنی از کیفر پس از مرگ و بهشت و دوزخ نیست. درواقع به قولی، متافیزیک کنفوسیوس متکی بر نیروی فوق‌انسانی مطلق است که خواسته‌های آن نیرو را عوامل انسانی در جهان محقق می‌کند. او از این مرز فراتر نمی‌رود. کنفوسیوس برخلاف سعدی دنبال یافتن «فیلسوفْ- پادشاه» بود و برای یافتن و تربیت چنین انسانی با دولتمردان نشست‌وبرخاست می‌کرد؛ شغل دولتی می‌پذیرفت و گله می‌کرد که کسی گوش به حرفش نمی‌دهد و کائنات او را واگذاشته است».

او سپس به شرح و تبیین موسیقی از نظرگاه سعدی و کنفوسیوس پرداخت: «سعدی موسیقی را می‌پرستد و به عقیده او: «به از روی خوب است آواز خوب/ که آن حظ نفس است و این حظ روح». یا در جاهایی از رنجی بازمی‌گوید که از شنیدن صدای بد تحمل کرده است. او دراین‌باره می‌گوید: «زیبقم در گوش کن تا نشنوم/ یا درم بگشای تا بیرون روم».

موحد شواهد دیگری از این‌دست را طرح کرد: «براساس‌این، می‌توان تفاوت معنایی را دریافت که کنفوسیوس از موسیقی اراده می‌کند، با معنایی که سعدی در فرهنگ اسلامی در پی تثبیت آن است. کنفوسیوس از موسیقی آن نظمی را اراده می‌کند که در قواعد رفتار است. برای او موسیقی محور نظم و انتظام زندگی است. کنفوسیوس دراین‌باره می‌گوید: «کسی که موسیقی را در می‌یابد، با آن به رموز اخلاقی پی می‌برد» یا «والاترین موسیقی همیشه خوشگوار است و اخلاق برین همیشه ساده است». با ارجاع به این گفتار درمی‌یابیم که وی درواقع قواعد رفتار و حسن آداب و موسیقی را دو وسیله عمده تربیت می‌دانست».

پشت بوم

امان از ارشمیدس‌های وطنی

حسین هاشم‌پور

● حذف نقاشی از هنرستان، واقعا ذهن خلاقی می‌خواهد؛ خبری که نیامده با خودش حیرت و اعتراض آورد و آدمی می‌ماند آیا در این مملکت کاری غیر از آسیب‌رساندن به هنر وجود ندارد که هرکسی در هر اداره و منصبی، ضربه‌ای به این کالبد نیمه‌جان می‌زند؟! حذف این هنر در حالی در فضای ابهام‌آلود از سوی آموزش‌وپرورش مطرح می‌شود که با توجه به وضعیت عمومی جامعه ایرانی اگر دو واحد نقاشی، به معنای لذت نقاشی اعم از خلق اثر یا مهارت در تماشاکردن، به همه رشته‌های تحصیلی و حتی دانشگاهی علاوه شود به یقین جامعه شاداب‌تر و انسانی‌تری خواهیم داشت.

یک اعتراض مستدل هنرمندان در این روزها که نقاشی مادر هنرهاست... نقاشی پلی به درون دانش‌آموزان است و حیف است نظام آموزشی ما از کارکردهای تربیتی-روان‌شناختی آن خود را محروم کند... به کنار، بجاست از دانش‌آموزان دیروز پرس‌وجویی شود ببینیم سینوس، کسینوس، تانژانت و کتانژانت بعدها به کارشان آمده یا نقاشی و رنگ و طراوت هنر؟ پاسخ این نظرسنجی میدانی مسئولان آموزش‌وپرورش را وا می‌دارد به جای فرافکنی و بهانه‌هایی مانند تغییر سرفصل یا انتقال رشته نقاشی از فنی‌وحرفه‌ای به کاردانش... نقاشی را هم در فنی‌وحرفه‌ای و هم در کاردانش جدی بگیرند.

دو تفاوت واقعی یک کشور توسعه‌یافته با کشوری مانند ما در همین نکته‌هاست، مثلا دوسالانه ونیز ۱۲۱ سال پیش تأسیس شده و به لطف این استمرار از منظر مرجعیت هنری و حتی صرفه اقتصادی به الگویی پیشرفته بدل شده، اما در مملکت ما اتفاقی که سنش دورقمی شود به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. گویا برخی تصمیم‌سازان در آموزش‌وپرورش متوجه شده‌اند مدرسه‌ای که کمال‌الملک بنا نهاده، صنایع مستظرفه، ۹۵ساله شده و هنرستان هنرهای زیبا ۶۰سالگی را پشت‌سر نهاده، لذا بس است دیگر، با حذف رشته نقاشی و خلق درسی به نام فتوگرافیک طرحی نو در اندازیم؛ حال نقاشی کجا، فتوگرافیک کجا، به ارشمیدس تازه‌تری نیاز است تا ندا سر دهد یافتم یافتم!

سه متأسفانه استعفا در این مملکت به قیمت خون است و معمولا مسئول خطاکاری یافت نمی‌شود که به جبران آسیبی که رسانده خودش برود، بنابراین بجاست اگر وزیر آموزش‌وپرورش طراح ایده پیشروی حذف نقاشی از هنرستان را برکنار کند، زیرا از ایده‌اش پیداست هنوز به درک آموزش و نیز پرورش نایل نیامده است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

ترخیص سفیر هنر ایران از بیمارستان

● **شرق:** موج خبرهای نگران‌کننده‌ای که این روزها از بیماری هنرمندان به گوش می‌رسد، خوشبختانه در مورد خواننده سنتی کشورمان، «محمد معتمدی»، دیگر صدق نمی‌کند؛ اگرچه که انتشار خبر بیماری و بستری‌شدن او در بیمارستان، نگرانی جامعه هنری و هوادارانش را در پی داشت، اما طی تماسی که خبرنگار «شرق» با مدیر برنامه ایشان داشت، اطلاع یافت که معتمدی سلامت نسبی خود را مشروط به استراحت، بازیافته و از بیمارستان مرخص شده است. به گفته محمد خرمی، مدیر برنامه‌های استاد معتمدی، بیماری وی کنترل شده و این خواننده سنتی کشور در سلامت نسبی جسمی به‌سر می‌برند. خرمی همچنین یادآور شد که بنا بر اظهارنظر پزشک معالج، مشکل قلبی ایشان مربوط به بی‌نظمی ریتم قلب (آریتمی) است. او افزود: «البته بی‌نظمی ریتم قلبی در ایشان مسبوق‌به‌سابقه بوده و علت آن فشار کاری، فشار عصبی، هیجان و تنش‌های روزانه بوده است. این در حالی است که سفر ایشان برای برگزاری کنسرت تور اروپا، خستگی پرواز و مسیرهای طولانی هم در بروز و تشدید این بیماری بی‌تأثیر نبوده است. براساس این گزارش، محمد معتمدی بنا بر توصیه پزشک معالج خود با استراحت کافی به حالت طبیعی بازمی‌گردد. دراین‌میان اما سؤال اینجاست که وضعیت کنسرت‌های این خواننده موسیقی سنتی چه خواهد شد. خرمی به «شرق» می‌گوید که با وجود برگزاری کنسرت‌های خارج از کشور، احتمالا کنسرت‌های داخلی لغو خواهند شد: «اگرچه که این اختلال چندروز مانده به برگزاری کنسرت‌های خارج از کشور رخ داده و طبیعتا پزشک، ایشان را از سفر منع کرده بود اما گویا خواننده عزیز ما با مسئولیت خود و به‌خاطر پایبندی به قول‌وقرارش با مخاطبان، قصد لغوکردن کنسرت‌ها را نداشته و همچنان به‌عنوان سفیر هنر ایران به فعالیت‌های خود ادامه داده است». بنا بر گفته‌های خرمی، این مشکل قلبی، شنبه‌شب اتفاق افتاده و تا شب گذشته (یکشنبه‌شب) نیز معتمدی در بیمارستان بستری بوده اما با استراحت مطلق و کنترل هیجان و تنش، دیگر خطری جدی سلامت ایشان را تهدید نمی‌کند. بااین‌همه تیم پزشکی از او درخواست کرده که از هرگونه فشار کاری و اجرای کنسرت خودداری کند.